حکایت اهل راز

رؤیای پیروزی

در دیـداری کـه در تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۳ با حضـرت آیت‌الله بهجت داشتم، فرمودند:

قبل از پیروزی انقلاب، خواب دیدم که شاه به سیّد جوانی، خیلی احترام می‌کرد. در عالم رؤیا فهمیدم که پس از شاه، او خواهد بود. پس از پیروزی انقلاب، دیدم که همان طور شد؛ ولی قیافه آقای خمینی با آن جوان، تطبیق نمی‌کرد؛ امّا وقتی عکس جوانی ایشان را آوردند، دیدم عیناً همان است.

در عالم رؤیا، آن جوان، چیزی گفت که از آنچه می‌گویم، معلوم می‌شود. پس از انقلاب، آقای خمینی گفت: «هر کس در برابر این انقلاب بایسـتد، هلاک می‌شود» و به این ترتیب آنچه در خواب دیده بودم، تعبیر شد.

*** کتاب: خاطره‌های آموزنده، نوشته آیت‌الله محمدی ری‌شهری**
انتشارات دارالحدیث قم

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

سپرده‌گذاری در بانک

س) آیا سـپرده‌گذاری در بانک به قصد به‌کارگیری آن در یکی از معاملات حلال و بدون تعیین دقیق سهم سـپرده‌گذار از سود، به این شرط که بانک هر شش ماه سهم او را از سود بپردازد، جایز است؟

ج) اگـر سـپرده‌گذاری در بانک به این صورت باشـد که سپرده‌گذار همه اختیارات را به بانک داده باشد حتی انتخاب نوع فعالیت و تعیین سهم سپرده‌گذار از سود هم به‌عنوان وکالت در اختیار بانک باشد، این سپرده‌گذاری و سود حاصل از به‌کارگیری پول در معامله حلال شرعی، اشکال ندارد و جهل صاحب مال به سهم خود در زمان سپرده‌گذاری ضرری به صحت آن نمی‌زند.

سود وام‌های پرداختی بانک‌ها

س) آیا بهره‌ای که بانک‌های جمهوری اسلامی از مردم در برابر وام‌هایی که به آنان برای اموری مانند خرید مسکن و دامداری و کشاورزی و غیره می‌دهند، مطالبه می‌کنند، حلال است؟

ج) اگر این مطلب صحیح باشـد کـه آنچه که بانک‌ها برای ساخت یا خرید مسکن و امور دیگر به مردم می‌دهند به‌عنوان قرض است، شکی نیست که گرفتن بهره در برابر آن شرعا حرام است و بانک حق مطالبه آن را ندارد، ولی ظاهر این است که بانک‌ها آن را به‌عنوان قرض نمی‌دهند بلکه عملیات بانکی از باب معامله تحت عنوان یکی از عقود معاملی حلال مثل مضاربه یا شرکت یا جعاله یا اجاره و مانند آن است. به‌طور مثال بانک با پرداخت قسمتی از هزینه ساخت خانه، در ملک آن شریک می‌شود و سپس سهم خود را با اقساط مثلا بیست ماهه به شریک خود می‌فروشد و یا آن را برای مدت معینی و به مبلغ خاصی به او اجاره می‌دهد در نتیجه این کار و سودی که بانک از این قبیل معاملات به دست می‌آورد، اشکال ندارد و این نوع معاملات ارتباطی با قرض و بهره آن ندارد.

حکم تجسس در امور خصوصی دیگران

س) تجسس در حریم خصوصی دیگران چه حکمی دارد؟ آیا در این قبیل موارد، فرقی بین فضای حقیقی و مجازی وجود دارد؟

ج) تجسس در امور شخصی و خصوصی دیگران چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی جایز نیست.

تردید در قصد اقامت ده روز

س) کسی که قصد دارد در محلی، ده روز اقامت کند ولی از قصد خود بر می‌گردد یا دچار تردید می‌شود؛ نسبت به نماز و روزه چه وظیفه‌ای دارد؟

ج) اگر پیش از خواندن نماز چهار رکعتی ادائی، از قصدش منصرف شـده یا مردد شـود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر روزه بوده اسـت، در صورتی که بعد از اذان ظهر باشد روزهٔ آن روز صحیح است، وگرنه صحیح نیست، اگر بعد از خواندن نماز چهار رکعتی منصرف شـود، باید تـا زمانی که در محل حضور دارد، نماز را کامل بخواند و روزه بگیرد.

چگونگی محقق شدن قصدِ اقامت ده روز

س) مراد از روز در اقامت ده روز چیست؟ برای محقق شدن قصد ده روز، آیا همین که از طلوع خورشیدِ روز اول تا غروب خورشیدِ روز دهم بمانیم، کافی است یا باید تا روز یازدهم اقامت داشته باشیم؟

ج) مراد از روز، فاصلهٔ بین طلوع و غروب خورشـید است؛ اگر کسـی بین طلوع و غروب خورشید وارد محل اقامت شود، باید قصد کند که ده شـبانه‌روز (۲۴۰ سـاعت) در آن‌جا بماند اما اگر در فاصلهٔ غروب تا طلوع خورشـید وارد محل شود، باید قصد کند که تا غروب روز دهم در آن‌جا اقامت داشته باشد.

می‌خواهم دستم پیش امثال تو دراز نباشد!

خاطره‌ای از عزت نفس یکی از علمای بزرگ اصفهان

یکی از علمای بـزرگ اصفهان بود که ما خیلی به این مرد ارادت داشتیم.

شخصی نقل می‌کرد که یکی از تجار بزرگ اصفهان در کربلا با او مواجه شـده بود. با هم آشنا بودند. آن عالم خیلی آدم ساده زیست و بی‌تکلّفی بود، مثلا اگر گرسنه‌اش می‌شد چنین نبود که به منزل برود و چون طبیب بود حال خودش را می فهمید و اغلب غذای ساده می خورد.

آن تاجـر خیلی به این مرد ارادت می‌ورزید. پول زیادی هم آورده بود نجف و کربلا که به مراجع بدهد.

آمد آن‌جا و از ایشان خواهش کرد که من فلان مبلغ پول آورده‌ام، دلم می‌خواهد که این پول را بدهم شما تقسیم کنید.

گفت: من نمی‌گیرم، به هر کس دلت می‌خواهد بده. گفت: پس من به شما می دهم، شما به آقا بدهید. (زمان مرحوم آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی بود) می‌خواست احترام عالم محل را حفظ کرده باشد. گفت: خودت برو بده.

گفت: پس من فلان مبلغش را به ایشـان می دهم، یک مقدار کم هم دلم می‌خواهد به شما بدهم، شما به هر کس می‌خواهید بدهید.

گفت: من نمی‌خواهم، به هر که می‌خواهی بده.

آخرش با اینکه مریدش بود عصبانی شـد و به او گفت اگر احتیاج نداری پس چرا این‌جا نشسته‌ای نان و لبو می‌خوری؟

گفت: برای اینکه به تو محتاج نباشم و دستم پیش تو دراز نباشد.

این برای انسـان ارزش دارد. برای انسان ارزش دارد دستش پیش دیگری دراز نباشـد نان و لبو بخورد، ولی ارزش ندارد چلو مرغ بخورد دستش پیش دیگران دراز باشد.

*** مجموعه آثار استاد شهید مطهری**
(آینده انقلاب اسلامی ایران)، ج۲۴، صص: ۲۰۲-۲۰۱

آداب و شیوه‌های عبادت

مرتضی نورانی

از نظر قرآن، کسانی که در سـختی و مشکلاتی قرار می‌گیرند و هیچ‌گونه اسـباب و وسیله‌ای برای رهایی نمی‌یابند، در حالتی قرار می‌گیرند که ناچار می‌شوند ذلیلانه در حالی که گریان هستند و راه گریزی ندارند، به کسی همچون خدا متوسل شوند، چنین حالتی را تضرع می‌گویند که به طور طبیعی با خضوع و خشوع قلبی و جوارحی و جوانحی و گریه و زاری و انابه همراه اسـت. در شـیوه بندگی و عبادت باید این حالت مد نظر قرار گیرد و انسان خود را در برابر خدا این‌گونه فقیر و عاجز و ناتوان و ذلیل احساس کند تا بتواند در دعا به مقصود و مقصد برسد و اجابت از خدا را داشته باشد.

همان گونه که در سـخنوری و سخندانی دو عنصر محتوایی و شـکلی باید مورد توجه قرار گیرد تا سخن در کمال بلاغت و فصاحت ادا شود و سخندان و سخنور می‌بایست واژگان و کلماتی را برگزیند که در بلاغت و محتوا، رسا باشد و محتوا را به تمام کمال برساند و در فصاحت و شکل نیز، شیوا و زیبا باشد؛ در عبادت نیز افزون بر محتوای آن، باید به آداب و شیوه عبادت هم توجه داشت تا آن محتوا در ساختاری زیبا ارائه شود. از همین رو در آموزه‌های قرآن، افزون بر انجام اعمال مهم و اساسی بندگی چون نماز، روزه، حج، اعمال نیک احسانی و اکرامی، از بندگان خواسته شده است تا به گونه‌ای آن را به جا آورند که برخوردار از آداب و شیوه زیبا باشد و از نظر شکلی نیز از تمامیت کمالی برخوردار شـود. در آموزه‌های قرآن، اگر هدف و غایت هر عمل عبادی، تقرب الی الله قرار داده شده است، ولی از بندگان خواسته شده تا آن عمل را با آدابی به‌جا آورند که از نظر شکلی نیز زیبا و پسندیده باشد و نشانه‌های بندگی از همه ابعاد و زوایا آن به چشم آید. بنابراین، بندگان خدا باید همانند گدایان، شیوه بندگی را بیاموزند و به آن عمل کنند تا جنبه زیباشناختی آن نیز ظهور و بروز کند. نویسنده در این مطلب با مراجعه به آموزه‌های قرآن، آداب ظاهری اطاعت و عبادت را تبیین کرده است.

***

دو نگاه متفاوت در شیوه بندگی و عبادت

اگر به ادبیات عرفانی شـاعران ایرانی نگاهی گذرا داشـته باشـید، دو نگاه متضاد و متناقض را می‌توان شناسـایی کرد که یکی اصولا جـز محتوای عبادی و بندگی به هیچ شـکلی اعتقادی نـدارد و بر این باور است که خدای کریم به سبب مقام کرامت خویش که بی‌درخواست و پرسشی و نیز بدون هیچ انتظار و توقع شکری نیازهای بندگان را برآورده می‌کند، نیازی نیست تـا جز اصل بندگی چیزی را همراه سـازیم؛ بنابراین، حتی بندگی قلبی کفایت می‌کند و خدا به دل بندگان توجه دارد نه رفتار آنان؛ زیرا آنچه مهم و اساسی است نیت است نه چیز دیگر. پس اگر قلبی خالص و با صفا باشد، دیگر نیازی نیست که مثلا حجاب را رعایت کند یا نمازگزارد و روزه‌ای بگیرد؛ زیرا این دل، بنده است و در بندگی کم نمی‌گذارد.

در مقابل گروهی دیگر بر این باورند که همان گونه که محتوا می‌بایسـت سدید چون سدی استوار باشد و از نظر برهان و منطق و عقلانیت کم نداشته باشد(نساء، آیه ۹؛ احزاب، آیه ۷۰) همچنین باید از نظر شکلی، از زیبایی ظاهری بی‌بهره نباشـد و آداب و شیوه‌های آن مراعات شود؛ زیرا عدم توجه به آداب و شیوه گاه حتی به محتوا ضربه و زیان اساسی می‌زند و مطلوب را برآورده نمی‌سازد؛ چنان‌که حافظ می‌سراید: هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد. از این رو به شـکل ضرب المثل گفته می‌شود: هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد.

اهمیت شیوایی و زیبایی در عبادت

با نگاهی به آموزه‌هـای قرآن می‌توان دریافت که نمی‌توان به سـبب محتوا از شـکل درگذشت و آن را نادیده گرفت؛ زیرا حفظ ظاهر برای حفظ باطن لازم و ضروری است و حتی در همین سازه‌های انسانی همچون اتومبیل و خانه، افزون بر استواری، بر زیبایی نیز توجه می‌شود تا ظاهری زیبا و شکیل داشته باشد.

اصولا همه اعمال عبادی که در قرآن بیان شده نه تنها به حوزه محتوا توجه دارد، بلکه به شـکل و ظاهر آن نیز توجه می‌دهد. بسیاری از شرایط و جزئیاتی که برای نماز و روزه و حج بیان شـده است، ناظر به جنبه زیباشناختی افزون بر محتوا است. از این رو در روایات توجه خاص به شـیوه عبادت و اعمال عبادی شـده و مجموعـه‌ای از آداب نماز و روزه و حـج و مانند آنها بیان شده است.

زینت‌ها و آرایه‌ها نقش مهم در کارها دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ توجه به زیبایی هر چیزی به سبب چشم نوازی آن باید برای انسان مهم و ارزشمند باشد و تنها به محتوا بسنده نکند. به عنوان نمونه خداوند درباره بهره‌گیری از زینت‌ها در زندگی از جمله هنگام رفتن به مسجد برای عبادت می‌فرماید: ای فرزندان آدم، زینت‌ها و آرایه‌ها خود را در مسـجد و هر عبادی از جمله نماز برگیرید... ای پیامبر، بگو: زینت‌ها و زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و نیز روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟ بگو: این آرایه‌ها و نعمتها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ و روز قیامت نیز خالص و خاص آنان است و دوزخیان از آن بهـره‌ای ندارند؛ ما این گونه آیات خود را برای گروهی که می دانند به روشنی بیان می کنیم. (اعراف، آیات ۳۱ و ۳۲) از نظر قرآن، حتی در قربانی کردن یا هر عمل عبادی که خدا فرمان می‌دهد باید به جنبه زیباشناختی آن توجه شود و گاوی ذبح شود که نگاه به آن موجب شادی و سرور انسان می‌شود؛ از همین رو در ذبح گاو می‌فرماید: گفتند: از پروردگارت بخواه تا بر ما روشـن کند که رنگش چگونه اسـت؟ گفت: وی می فرماید: آن ماده گاوی اسـت زرد یکدست و خالص که رنگش هربیننده‌ای را شاد و مسرور می کند. (بقره، آیه ۶۹)

اصولا خداوندی که جمیل است در هر کاری، جمال و زیبایی را دوست می‌دارد و خود نیز این‌گونه آفریده‌ها را در کمال استواری محتوایی و زیبایی شکلی آفریده است.(نحل، آیه ۶؛ صافات، آیه ۶)

بر همین اسـاس، خدا از بندگان می‌خواهد در هر کاری از سخن گفتن تا عمل رفتاری و سازه‌ها نه تنها به استواری و استحکام بلکه به حوزه زیباشناختی آن توجه داشته باشند و آداب و شیوه مناسب هر چیزی را بیاموزند و بر اساس آن عمل کنند.

آداب عبادت و بندگی

در اسلام برای هر عمل عبادی شیوه و آدابی بیان شده است که باید مراعات شود. کسی که شیوه بندگی را بدانـد و بر اسـاس آن عمل کند، بـه نتایج بهتری می‌رسد. بنابراین در اسلام برای انجام بهتر و زیباتر اعمال عبادی شیوه و آداب خاصی معین شده است که از جمله می‌توان به ابتهال، تضرع، تبتل، در کنار شرایطی چون خلوص، اعتدال، عالمانه بودن عبادت، صبر بر عبادت، خشوع، طهارت و زمان و مکان عبادت اشاره کرد.

۱. ابتهال: یکی از مهم‌ترین آداب و شـیوه عبادت و بندگی آن اسـت که بنده در نـزد خداوند با حالت ابتهال برود.

واژه «ابتهال» از «بهـل» به معنای تضرع و زاری کردن است؛ و در قول خداوند گفته می‌شود: «ثم نبتهل» یعنی: خالصانه دعا کنیم. (اسماعیل جوهری، الصحاح، بیـروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷ م، ماده «ب ه ل».) ابن فارس (م ۳۹۵ ه) می‌گوید: «بهل» به سه معنا آمده اسـت: اول: به معنای تخلیـه و آزادکردن؛ دوم: نوعی دعاست؛ سوم: کمبود آب را گویند. معنای دوم، تضرع و ملتمسـانه و عاجزانه دعا کردن است. واژه «مباهله» نیز به همین معنا است؛ زیرا دو نفر که مباهله می‌کنند، هر کدام به طرف مقابل نفرین می‌کند و درخواسـت عذاب و بلا می‌نماید. در قرآن «ثم نبتهل...» به همین معنا آمده است. (احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغه، بیروت، دارالکتاب العربیهٔ، ماده «ب ه ل».) یکی از آداب نماز، ابتهال و گرفتن حالت ابتهال است. گفته‌اند مراد از آن بلند کردن دسـتها به سـوی آسمان هنگام دعا است. به سخن دیگر، شیوه و آدابی برای نمازگزار بیان شده که یکی از آنها ابتهال است؛ زیرا دعاکننده حالات مختلفی همچون حالت شـوق، حالت خوف و غیر آن دارد. در روایات برای هر حالت از حالات دعاکننده در نحوه قرار گرفتن دسـت‌های وی شـکلی خاص بیان شده‌است. در روایات حالت ابتهال هنگام جاری شدن اشـک مورد توصیه قرار گرفته است و آن بدین گونه است که دعاکننده دستهای خود را تا حدّی که از سر بگذرد به سوی آسمان بلند و دعا می‌کند. از همین رو، ابتهال هنگام جاری شـدن اشک مستحب است.(نگاه کنید: وسائل الشیعهٔ ج۷، ص۴۸؛ جواهر الکلام ج۱۰، ص۳۶۹-۳۷۱؛ کشف الغطاء ج۳، ص۴۹۸؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ج۱،ص۲۲۸-۲۲۹) در روایات اسـت که ائمـه(ع) در نماز نه تنها زرد رو می‌شـدند بلکه‌گریان بودند. از امام رضا(ع) روایت شده است: کان فیما ناجی الله به موسی(ع) انه ما تقرب الی المتقربون بمثل البکاء من خشیتی؛ در آن چیزهایی که خداوند با موسی(ع) مناجات کرد آمده است: تقرب جویندگان به سـوی من به چیزی مانندگریه از خوف من، به من نزدیکی پیدا نمی‌کنند.(بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۴۹.) امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: و لو ان عبداً بکی فی امـةٍ لرحم الله تعالی ذکره تلک الامهٔ لبکاء ذلک العبد؛ اگر یک بنده در میـان امتی‌گریه کند، خدای متعال همـه آنها را برای‌گریه آن یـک نفر مورد رحمت قرار می‌دهد.(بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۳۶.) همچنین امام صادق(ع) می‌فرماید: و لو ان باکیا بکی فی امهٔ لرحموا؛ اگر در میان مردم یک نفرگریان باشد، همه آنها مورد رحمت قرار می‌گیرند.(وسائل الشیعهٔ، ج ۱۱، ص ۱۷۸.) امام باقر(ع) می‌فرماید: ما من قطرهٔ احب الی الله عز و جل من قطرهٔ دموع فی سواد اللیل مخافهٔ من الله لایراد بهـا غیره؛ هیچ قطره‌ای نزد خداوند متعال محبوبتر از قطره اشـکی که در تاریکی شب از ترس خدا بریزد و جز خداوند چیز دیگری در آن منظور نباشـد، نیست. (کلینـی، کافـی، ج ۲، ص ۴۸۲) امام علی(ع) فرمود: البکاء من خشیهٔ الله ینیر القلب؛گریه از ترس خداوند، قلب را روشـن می‌گرداند.(آمدی تمیمی، عبدالواحد، غررالحکـم، ج ۲، ص ۱۹۲) امـام(ع) می‌فرماید: بکاء العیون و خشـیهٔ القلوب من رحمهٔ الله تعالی...»؛گریه چشـم‌ها و خشیت قلب‌ها ناشی از رحمت الهی است.

از آداب و شرایط عبادت، داشتن حالت باطنی خضوع و خشوع در هنگام انجام اعمال عبادی است. خشـوع در عبادت را به نهایت افتادگی و کوچکی نسبت به عظمت خداوند تعبیر کرده‌اند و ارزش یک عمل عبادی را به خاضعانه و خاشعانه بودن آن مرتبط دانسته‌اند. قرآن کریم یکی از صفات مؤمنین را خواندن نماز در حالت خشوع بیان کرده و بر طبق روایات اعمال بنده زمانی عنوان عبادت به خود می‌گیرد که با خشوع و خضوع انجام شود.

(بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۳۶) در حالات امام موسـی بن جعفر(ع) آمده است: آن حضرت همیشه از خشیت خداوندگریه می‌کرد، تا ریش آن حضرت از اشـکش‌تر شود.(بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۳۶) در روایت آمده است خدای تعالی به حضرت عیسی(ع) فرمود: یا عیسی! ابک علی نفسک فی الصلاة؛«ای عیسی! هنگام نماز بر نفست گریه کن.(بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۹۰) راوی می‌گوید: از امام صادق(ع) در باره‌گریه کردن در نماز سؤال کردم، آیاگریه نماز را باطل می‌کند؟ فرمود: اگرگریه برای یاد بهشـت یا جهنم باشد، از بهترین اعمال در نماز است. (وسائل الشیعهٔ، ج ۴، ص ۱۲۵۱.)

۲. تبتل: تبتل حالت انقطاع از غیر خدا و حالتی در شیوه بندگی است. خدا می‌فرماید: وَاذْکُرِ اسْمَ رَبِّکَ وَتَبَتَّلْ إِلَیْهِ تَبْتِیلًا؛ و نام پروردگار خود را یاد کن و تنها بـه او بپرداز. (مزمل، آیه ۸) این واژه مصدر باب تَفَعّل و از مادّه «ب ت ل» به معنای قطع کردن، جدا کردن و ممتاز سـاختن است. احتمالاً اصل این واژه سُریانی و به معنای خود را وقف خدا کردن به شـیوه رهبانی است. (فیروزآبادی، ترتیب القاموس المحیط، ذیل «ب ت ل» ؛جوهری، الصحاح:تـاج اللغهٔ و صحاح العربیهٔ؛ ذیل «بتل ».)

البته در فرهنگ اسلامی، بَتول، لقب حضرت فاطمه و مریم علیهماالسلام، به معنای زنی است که شهوت و نکاح را ترک کرده یا از امور دنیوی کناره گرفته است. همچنین به نخلی که قلمه‌ای را از آن جدا کرده باشند، بتول یا مُبْتِل و قلمه آن نخل را که دیگر نیازی به نخل مادر ندارد، بَتیل می‌نامند. بر همین اساس در فرهنگ عرفانی اسلامی، زاهد عابد را نیز مُتَبَتِّل گویند، زیرا از غیر خدا بریده و کار خود را برای خدا خالص کرده است. از همین رو، در تفاسیر عرفانی تبتّل به معنای «انقطاع تام از هرچه غیر حق » آمده است.(ازهری، تهذیب اللغهٔ، ذیل «بتل »؛ فراهیدی، کتاب العین، ذیل «بتل »)

در قـرآن کریم تبتّل یک بار به کار رفته اسـت و بسـیاری از مفسران آن را اخلاص در دعا یا در عبادت معنا کرده‌اند. برخی مفسـران نیز معانی دیگری ذکر کرده‌اند، از جملـه توکل، رها کردن دنیا، جلب کردن رضـای خدا و انقطاع از غیر حق برای طاعت و عبادت. (زمخشری، الکشـاف عن حقائق غوامض التنزیل ج۴، ص۶۳۹؛ ابوالفتوح رازی، تفسیر روح الجنان و روح‌الجنان ج۵، ص ۴۱۸ - ۴۱۹)

فخررازی ضمن آوردن همه این معانی، تنها معنای اخیر را درست می‌داند و می‌گوید که بریدن از همه چیز، جز در مقام محبت به پروردگار حاصل نمی‌شود. (فخر رازی، التفسیر الکبیر ج۳، ص۱۷۸ـ ۱۷۹.) حالت تبتل در فرهنگ اسلامی، یکی از شیوه‌های بندگی و عبادت است که مسـتحب دانسته شده است. از ائمه(ع)نقل شده که تبتّل به معنای «دست تضرع و زاری به درگاه خدا برآوردن » اسـت. در روایتی آمده است که مراد از تبتّل بلند کردن و حرکت دادن انگشت نشان دست چپ و یا انگشـتان به آرامی به طرف بالا و پایین در هنگام دعاسـت. این حرکت انگشتان که به معنای بریدن از همه جا و تنها روی آوردن به سوی خداست، شاید از مظاهر ظاهری تبتّل و انقطاع باطنی و قلبی باشـد. از همین رو در آداب و شیوه نمازگزاری، از تبتل به این معنا در باب صلات سـخن گفته شده است. (کلینی، اصول کافی ج۲، جزء۴، ص ۲۳۰ـ ۲۳۲؛ وسایل الشیعه، ج۷، ص۴۹؛ بحارالانوار، مجلسی، ج۹، ص۳۳۷ـ ۳۳۸.)

در روایـات برای دعاکننده برحسـب حالات وی کیفیت‌های گوناگونی ذکر شده است که حالت تبتل و انقطاع از جمله آنها است. دعاکننده در این حالت با یک انگشت- که در برخی روایات، انگشت سبابه دست چپ ذکر شده به- بالا و پایین اشاره می کند. (جواهر الکلام ج۱۰، ص۳۶۹) البته در برخی احادیث تبتّل به معنای ترک ازدواج به منظور عبادت به کار رفته که اسلام آن را نهی کرده است، چنان‌که پیامبر اکرم (صلی اللّه علیه وآله) فرموده‌اند: «لارَهبانیهٔ ولا تبتّلَ فی الاسلام ». (ابن ماجه، سنن ابن ماجهٔ ج۱، ص۵۹۳؛ ابن حنبل، مسند احمدبن حنبل ج۶، ص۱۲۵)

همچنین بنا بر روایتی، زنی نزد امام محمدباقر(ع) گفت که مُتَبَتِّله است یعنی ازدواج را ترک کرده است. امـام او را از این کار نهی کردند و گفتند که اگر ترک ازدواج فضیلت بود فاطمه (س)بر این کار سزاوارتر بودند. (بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص۲۱۹)

۳. تضرع: از دیگر آداب عبادت تضرع است. خداوند از انسانها خواسته که در هنگام دعا و عبادت حالت تضرع داشته باشند: ادعوا ربکم تضرعـا و خفیهٔ؛ پروردگار خود را (آشکارا) از روی تضرّع و در پنهانی بخوانید!(اعراف، آیه ۵۵) تضرع غیر از خشوع و خضوع است؛ هر چند کـه از نظر معنایی و مفهومی به هم نزدیک هسـتند. از نظر قرآن، کسـانی که در سـختی و مشکلاتی قرار می‌گیرند و هیچ‌گونه اسـباب و وسیله‌ای برای رهایی نمی‌یابند، در حالتی قرار می‌گیرند که ناچار می‌شوند ذلیلانه در حالی که گریان هستند و راه‌گریزی ندارند، به کسـی همچون خدا متوسل شوند، چنین حالتی را تضرع می‌گویند که به طور طبیعی با خضوع و خشوع قلبی و جوارحی و جوانحی وگریه و زاری و انابه همراه است. در شیوه بندگی و عبادت باید این حالت مد نظر قرار گیرد و انسان خود را در برابر خدا این‌گونه فقیر و عاجز و ناتوان و ذلیل احسـاس کند تا بتواند در دعا به مقصود و مقصد برسد و اجابت از خدا را داشته باشد.

۴.خلوص: قبولی عبـادت به میزان خلوص بنده در عبادت مرتبط دانسته شده است. علامه طباطبایی خلـوص را به معنای اینکـه درانجام عمل به غیر خدا مشـغول نشود و در عملش کسی را شریک خدا نداند، تعریف کرده و معتقد است زمانی عبادت خالصانه خواهد شـد که نه به امید دریافت پاداش و نه از ترس عقوبت انجام گیرد.(طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰ق، ج۱، ص۲۶) انجام خالصانه عبادت موضوعی اسـت که در بیش از ۵۰ آیه قرآن مورد تأکید قرار گرفته اسـت. در جوامع روایی نیز خلوص به عنوان یکی از شرایط قبولی عبادت قرار داده و از ارتباط با شخصی که قصد کسب شهرت با عبادت دانسـته شده است. (مجلسـی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج۶۷، ۲۵۶)

۵. اعتدال: از آداب و شـیوه‌های بندگی در انجام اعمال عبادی، رعایت اعتدال و میانه‌روی است. مفسران با اسـتناد به این فراز آیه ۱۱۰ سوره اسراء «وَابْتَغِ بَینَ ذَلِک سَبِیلًا» که تأکید بر خواندن نماز در میان دو حالت جهر و اخفات است، آن را الگویی برای همه اعمال و رفتار آدمی به ویژه در عبادات دانسته‌اند.(طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰ق، ج۱۳، ص۲۲۵؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ش، ج۱۲، ص۳۲۹) رعایت اعتدال در عبادت در ضمن داستان‌هایی در روایات نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛(الکافی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۴۳.) در این روایات، دین اسلام دین اعتدال و میانه‌روی معرفی شده که باید تمام رفتار و کردار یک مسلمان طبق این روش صورت گیرد. بر طبق روایات یکی از ثمرات اعتدال در عبادت، ایجاد شوق و عدم کسالت در عبادت خواهد بود؛(بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج۶۸، ص۲۱۳). موضوعی که در آیه ۱۴۲ سوره نسا به آن اشاره شده است. پیامبر اسلام(ص) ضمن روایتی از تحمیل عبادت به بندگان خدا در حالی که کراهت دارند نهی می‌کند و آن را مانند سوار درمانده‌ای می‌بیند که نه مسافتی پیموده و نه مرکبی به جا گذاشته است.(الکافی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۸۶.) امام علی(ع) نیز در حکمت ۲۸۵ نهج‌البلاغه بر ترک انجام مسـتحبات در صورتی که به واجبات ضرر می‌زند، تأکید می‌کند.

۶. عالمانه‌بودن عبادت: انجام اعمال عبادی از روی علم و آگاهی همراه با تفکر یکی از شـرایط کمال عبادت و قبولی آن دانسـته شده است.(فیض کاشانی، محجهٔ البیضـاء، ۱۳۸۳ق، ج۱، ص۳۶۶) در روایات، عبـادت انسـان جاهل مانند حرکت حیوان آسـیاب توصیف شـده و دو رکعت نماز عالـم از هفتاد رکعت نماز جاهل برتر دانسته شده است؛(مفید، الاختصاص، ۱۴۱۳ق، ۲۴۵)

۷. صبر بر عبادت: یکی از شـرایط انجام اعمال عبادی داشتن صبر و تحمل در راه طاعت خداوند است. در آیه ۶۵ سوره مریم خطاب به پیامبر اسلام(ص) دعوت به خویشتن‌داری بر عبادت خداوند می‌کند. در روایات نیز یکی از انواع صبر را صبر بر طاعت و بندگی خداوند دانسته‌اند.(الکافی، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۹۱)

همه اعمال عبادی که در قرآن بیان شـده نه تنهـا به حوزه محتوا توجه دارد، بلکه به شکل و ظاهـر آن نیز توجه می‌دهد. بسیاری از شرایط و جزئیاتی کـه برای نمـاز و روزه و حج بیان شده است، ناظر به جنبه زیباشـناختی افزون بر محتوا است. از این رو در روایات توجه خاص به شیوه عبادت و اعمال عبادی شـده و مجموعه‌ای از آداب نماز و روزه و حج و مانند آنها بیان شده است.

۸.خشـوع و خضوع: از دیگر آداب و شـرایط عبادت، داشتن حالت باطنی خضوع و خشوع در هنگام انجام اعمال عبادی است. خشوع در عبادت را به نهایت افتادگی و کوچکی نسبت به عظمت خداوند تعبیر کرده و ارزش یک عمل عبادی را به خاضعانه و خاشعانه بودن آن مرتبط دانسته‌اند.(خمینی، آداب الصلاة، ۱۳۷۸ش، ص۱۷) قـرآن کریم یکی از صفات مؤمنین را خواندن نماز در حالت خشـوع بیان کرده(مؤمنون، آیه ۲) و بر طبـق روایات اعمال بنده زمانی عنوان عبادت به خود می‌گیرد که با خشوع و خضوع انجام شود.(بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج۸۱، ص۲۳۰.) قرآن کریم قسـاوت قلب را به عنوان یکی از موانع خشوع و خضوع انسان در مقابل ذکر خداوند بیان کرده است.(حدید، آیه ۱۶) به هر حال، از شـیوه بندگی آن است که ظاهر و باطن از خشوع و خضوع برخوردار باشد و نشانه تذلل در بنده دیده شود. این، شیوه بندگی در نظر قرآن است.

۹.طهارت: طهارت باطنی نیاز بنده اسـت، ولی نمی‌توان از طهارت ظاهری غافل شد. اصولا کسی که به ظاهر نمی‌رسد باطن وی ممکن است متاثر از ظاهر آلوده شود. بر همین اساس، هر چند دستیابی به بطون معارف قرآنی نیازمند طهارت باطنی است ولی لازم است که این طهارت باطنی با طهارت ظاهری همراه شـود. (واقعه، آیات ۷۸ و ۷۹) آموزه‌های قرآن، انجام بسیاری از اعمال عبادی را مستلزم داشتن طهارت دانسته است. آیه ۴۳ سوره نساء خواندن نماز را به شرط داشتن طهارت جایـز می‌داند و در دیگر آیات طهارت مکان عبادت و مساجد را از وظایف متولیان امور مذهبی دانسته است. (بقره، آیه ۱۲۵؛ حج، آیه ۲۶) مکان و زمان عبادت نیز از عوامل مهم تأثیر عبادت محسوب شده است. در روایات و سـیره اهل بیت(ع) آمده است که آنان برای عبادت خود مکانی را در خانه معین کرده بودند و در زمان‌های خاصی از شـبانه‌روز وقت خود را برای عبادت و نیایش صرف می‌کردند.(برقی، محاسن، ۱۳۷۱ق، ج۲، ص۶۱۲)

چراغ راه

لزوم حق‌مداری و حق‌گویی

قال الامام علـی(ع): «لا تکلمونی بما تکلـم به‌الجبابره... و لا تخالطونی بالمصانعه، و لا تظنوا بی استثقالا فی حق قیل لی».

امـام علی(ع) فرمود: مبادا آن اصطلاحاتی را که در مقابل جباران به کار می‌برید (که خودتان را ذلیل و کوچک و خاک پا می‌کنید؛ و او را بالا می‌برید و به عرش می‌رسانید) برای من به کار ببرید... و هرگز با من به شکل سازش کارها (هر چه شما بفرمایید صحیح است. هر کاری که شما می‌کنید درست است) معاشرت نکنید، و گمان نکنید که اگر حقی را در مقابل من بگویید (علیه من کلمه‌ای بگویید که حق است) بر من سنگین خواهد آمد.[1]

۱- نهج‌البلاغه- خطبه ۲۱۶

حکایت خوبان

آزادی انتخاب راه و عمل برای انسان

یحیی ابن سـعید (از طرفداران حکومت یزید در مکه) به امام حسین(ع) که در حال حرکت به سمت کوفه بود گفت: ای حسین! آیا تقوای خدا را پیشه نمی‌سـازی و از جماعت مسلمین خارج می‌شـوی و بین امت اسلام جدایی می‌افکنی؟ امام حسـین(ع) در پاسخ آیه ۴۱ سوره یونس را قرائت فرمود: «و ان کذبـوک فقل لی عملی و لکم عملکم انتم بریئون مما اعمل و انا برئ مما تعملون» و اگر تو را تکذیب کردند، بگو: عمل من برای من و عمل شما برای شما است! شما از آنچه من انجام می‌دهم بیزارید و من نیز از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم![1]

۱- مثیر الاحزان، ص ۳۹

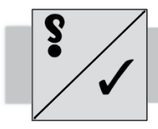

پرسش و پاسخ

رابطه آزادی اجتماعی با آزادی معنوی

پرسش:

**چه رابطه و پیوندی میان آزادی معنوی و آزادی اجتماعی وجود دارد؟ آی